

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حسین بهادری

۲۰ می ۲۰۱۸

۷۰ سال جنایت جنگی رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه مردم فلسطین



امروز سرزمین فلسطین از سه بخش مجزا – رژیم اشغالگر اسرائیل با مساحت ۲۰۷۷۰ کیلومتر مربع، کرانه باختری رود اردن با ۵۶۵۰ کیلومتر مربع و نوار غزه با ۴۷۰ کیلومتر مربع- تشکیل شده که از غرب به بحیره مدیترانه ، از شمال به لبنان، از شرق به سوریه و رود اردن از جنوب و جنوب غربی به بحیره سرخ و شبه جزیره سینا متصل است. فلسطین از نظر موقعیت سوق الجیشی منطقه ای مهم و حساس و سرزمینی حاصلخیز و دارای آب و هوای معتدل می باشد. نخستین یورش به منطقه از سال ۱۰۹۵ شروع شد که حدود دو قرن ادامه یافت. اروپائیان به علل مختلف در آن زمان تحت پوشش مذهبی سیاستهای استعماری خود را به نام جنگهای صلیبی پیش می بردند، و یکی از انگیزه های ظاهری آنان به دست آوردن شهر بیت المقدس به مثابه زیارتگاه مسیحیان ولی در حقیقت دلیل اصلی آنان اشغال فلسطین و آماده کردن شرایط برای تصرف و تسلط بر افریقا بود.

در پروسه جنگ جهانی اول صهیونیست ها از کشورهای امپریالیستی انگلیس و امریکا خواستند پس از شکست عثمانی و خاتمه جنگ، سرزمین فلسطین به صهیونیست ها واگذار شود تا آنها بتوانند دولت یهود را در آن جا بر پا کنند. امپریالیسم انگلیس که برای حفظ مستعمرات خود در منطقه احتیاج به ایجاد پایگاهی مطمئن داشت با خواست صهیونیست ها موافقت کرد و «لرد بالفور» وزیر خارجه انگلیس سرانجام موفق شد در اپریل ۱۹۲۰ متفقین و جامعه ملل را وادار کند که قیمومیت فلسطین را رسماً به دولت انگلستان واگذار کنند و انگلستان موظف شد براساس اعلامیه بالفور کمک به تأسیس کانون ملی یهود نماید. برپایه این توافقات انگلستان یکی از اعضای تشکل صهیونیستی را به حکومت فلسطین برگزید و بدین ترتیب مهاجرت یهودیان با پوشش قانونی به فلسطین آغاز شد. انتقال حکومت به یک یهودی با مخالفت شدید ساکنان فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی مواجه شد و باعث بروز شورشهایی گردید.



اولین کشتار در فلسطین

به دنبال اعتراضات وسیع ساکنان فلسطینی علیه سیاستهای انگلستان در تابستان ۱۹۲۹ اولین برخورد خونین میان فلسطینی ها و صهیونیست ها درگرفت. صهیونیست ها و سربازان انگلیس به فلسطینی هائی که به صورت مسالمت آمیز دست به اعتراض زده بودند، با گلوله جنگی تیراندازی کردند. بیش از ۳۵۰ فلسطینی را کشتند و صدها نفر زخمی و تعداد بیشماری را دستگیر و روانه زندانهای قرون وسطائی خود کردند. کشتار مردم فلسطین در اعتراضات مسالمت آمیز تابستان ۱۹۲۹ که در سکوت مجامع جهانی و بی عملی کشورهای عربی صورت گرفته بود، زمینه ساز شکل گیری مبارزات قهر آمیز مردم فلسطین شد. از اواخر دهه ۲۰ تا اواخر دهه ۳۰ قرن بیستم تحت رهبری شیخ عزالدین قسام دست به قیام مسلحانه زدند این قیام نیز با بربریت تمام توسط صهیونیستها با کمک همه جانبه امپریالیسم انگلیس سرکوب و رهبران آن کشته شدند. کشتار بیش از یک دهه خلق فلسطین توسط صهیونیستها و حامیان امپریالیست آنان در بهت و حیرت و بی عملی جهان عرب و سکومت مطلق جوامع بین المللی سپری شد تا این که بار دیگر تحت رهبری عبدالقادر حسینی و حسن سلامه مبارزات مسلحانه ای صورت گرفت که توسط نیروهای مشترک صهیونیستی و انگلیسی به خاک و خون کشیده شد.

بعد از جنگ دوم جهانی مهاجرت یهودیان به فلسطین شتاب بیشتری به خود گرفت و متعاقب آن سازمان های تروریستی صهیونیست ها نیز در فلسطین به طور چشمگیری فعال شدند. آنها با انجام ترورهای برنامه ریزی شده به ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان فلسطین اعم از عرب، مسیحی و... دست زدند.

قتل عام در دیر یاسین



در ۹ اپریل ۱۹۴۸ سازمان تروریستی و نژادپرست « ایرگون » تحت رهبری مناخیم بگین به روستای دیر یاسین در پنج و نیم کیلومتری بیت المقدس حمله کرد. در ۱۰ اپریل ساکنان آن قتل عام شدند. نیمی از این جانباختگان این جنایت فجیع زن و بچه بودند. در قتل عام دیر یاسین صهیونیستها عمداً به چند نفر از ساکنان دهکده پس از وارد آوردن جراحات وحشتناک امکان فرار دادند تا فراریان وحشت زده با بازگو کردن جنایات صهیونیست ها باعث وحشت اهالی اطراف شوند، به طوری که از ۹ اپریل تا روز اعلام موجودیت رژیم اشغالگر (۱۴ مه ۱۹۴۸) بیش از ۳۰۰۰۰۰ (سیصد هزار) نفر از ساکنان سراسر فلسطین به کشورهای عربی فرار کردند.

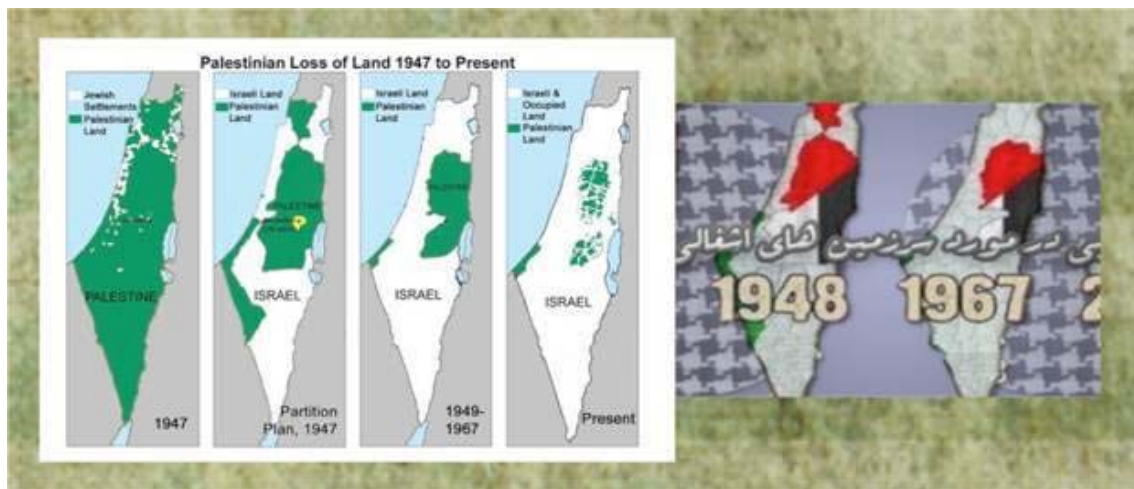
آواره کردن یک میلیون فلسطینی در جنگ ۱۹۴۸

پس از اعلام موجودیت رژیم اشغالگر توسط بن گوریون، اولین جنگی که این رژیم علیه فلسطین و کشورهای عربی منطقه به راه انداخت به جنگ ۱۹۴۸ معروف شد. در پروسه این جنگ صهیونیستها با پشتیبانی امپریالیست ها درحالی که اعراب به علل مختلف در پراکندگی، ناتوانی و سرسپردگی به سر می بردند، توانستند ۷۸ درصد کل خاک فلسطین را به اشغال خود در آورند. در این جنگ، حدود یک میلیون فلسطینی از مجموع یک میلیون و نهصد هزار فلسطینی ساکن در مناطق اشغالی آواره شدند. آوارگان در نوار غزه، اردن، لبنان، سوریه، مصر و عراق در کمپ های پناهندگی اسکان داده شدند.

قتل عام کفر قاسم



در سال ۱۹۵۶ صهیونیست ها به دهکده کفر قاسم در نزدیکی خط آتش بس بین رژیم اشغالگر و اردن حمله کردند. قبل از حمله در اطراف کفر قاسم نظامیان صهیونیستی از مردم سؤال می کردند اهل کجا هستید وقتی مردم بی خبر از جنایاتی که در شرف تکوین بود جواب می دادند اهل کفر قاسم هستند، فرمانده به افرادش می گفت کلکشان را بکنید. سرگرد شموئل مالینکی فرمانده پولیس مرزی منطقه در یک جلسه کوتاه به افراد خود دستور داد «هر غیر نظامی فلسطینی را که بعد از ساعت ۱۷ دیدید با تیر بزنید.» وقتی درباره زنان و کودکان از او سؤال شد وی پاسخ داد «مقرات بدون دلسوزی در مورد همه صدق می کند» بر اساس گزارش های روزنامه «الخلیج» کشتار «کفر قاسم» با اسم رمز عملیات جاودان ساعاتی قبل از حمله اسرائیل به مصر در همراهی با انگلیس و فرانسه در سال ۱۹۵۶ صورت گرفت که به جنگ کانال سوئز معروف است. رژیم اشغالگر با هدف کشتن کورکورانه فلسطینی ها و ایجاد وحشت با هدف کوچ دادن اجباری مردم به ارتش دستور داد زمان حکومت نظامی را از ساعت ۹ شب به ۵ بعد از ظهر کاهش دهد.



بعد از سکوت مرگبار مراجع بین المللی و جهان عرب در مقابله با جنایات ضد بشری گردانندگان رژیم اشغالگر صهیونیستی در قتل عام «دیر یاسین»، «جنگ ۱۹۴۸» و قتل عام «کفر قاسم» مردم فلسطین بر آن شدند که با تکیه به نیروی خود به مقابله با اشغالگران برخیزند. می توان گفت قتل عام «کفر قاسم» نقطه پایانی، بر توهمات فلسطینی ها در رابطه با برخورد شورای امنیت ملل متحد و دولتهای عرب نسبت به رویدادهای فلسطین بود. از این تاریخ به تدریج گروه ها و سازمان های مبارز فلسطینی به وجود آمدند و مبارزات خلق فلسطین علیه اشغالگران وارد مرحله نوینی شد.

پیروزی سازمان های فلسطینی در نبرد الکرامه پس از شکست اعراب در جنگ ۶ روزه در سال ۱۹۴۸ باعث حمایت گسترده مردم در کشورهای عربی از جنبش فلسطین شد. ایجاد «سازمان آزادیبخش فلسطین» و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» و پیوستن هزاران جوان عرب به این سازمان ها، از سال ۱۹۶۹ عملیات پارتیزانی سازمان های فلسطینی علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی شدت گرفت. ناتوانی ارتش صهیونیستی در سرکوب و نابودی جنبش فلسطین، امپریالیسم امریکا و صهیونیستها را واداشت با به کارگیری به اصطلاح «دکترین نیکسون» عربها را به جنگ عربها وادارند و برای به زانو در آوردن و یا تسلیم جنبش فلسطین از مرتجعین عرب استفاده کنند. مناسب ترین مهره برای پیشبرد اهداف آنان ملک حسین پادشاه سابق اردن بود. رژیم دست نشانده اردن تحت فشار امپریالیسم امریکا در دهم اپریل ۱۹۶۹ با پذیرش «قطعنامه ۲۴۲» و شناسایی کشور اسرائیل خشم جهان عرب و مردم فلسطین را برانگیخت.

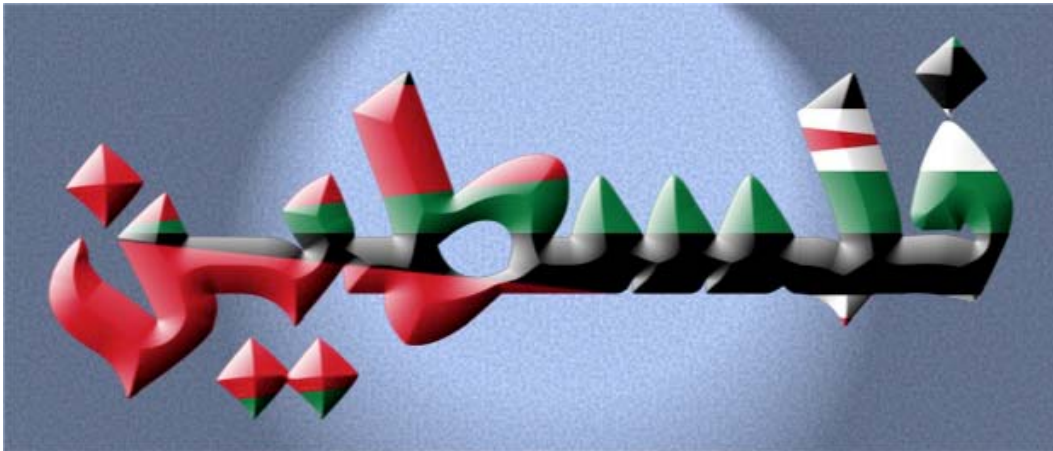
با مخالفت شدید نیروهای مقاومت فلسطینی در اردوگاه ها با عملکرد دولت اردن، اختلاف بین نیروهای فلسطینی و پادشاهی اردن به اوج خود رسید. ملک حسین با اشاره امپریالیست ها در ۴ سپتمبر به مقر رهبری سازمان آزادیبخش حمله کرد. در ۱۶ سپتمبر با فرمان ملک حسین یک کابینه نظامی در اردن بر سر کار آمد. بلافاصله بعد از تشکیل دولت نظامی، ارتش اردن با کمک مستشاران امریکائی با محاصره اردوگاه های فلسطینیان دست به حمله زد، طی دو روز کشتار توسط ارتش اردن از نیروهای رزمنده و آوارگان فلسطینی بیش از پنج هزار نفر جان باختند و یازده هزار نفر دیگر مجروح شدند. یاسر عرفات کشتار ارتش اردن را نسل کشی نامید و از جهان عرب برای توقف این کشتار جنایتکارانه کمک طلبید. سرانجام با دخالت جمال عبدالناصر فقید در ۲۶ سپتمبر این کشتار خاتمه یافت. مردم فلسطین سپتامبر آن سال را «سپتامبر سیاه» نامیدند. و در اردوگاه های کشورهای عربی پرچم سیاه افراشتند.

در ادامه طرح امپریالیست ها حل مسئله فلسطین و خاتمه دادن به بحران موجود بین اعراب و اسرائیل در اولویت برنامه امپریالیسم امریکا قرار گرفت. تحت فشار امریکا کنفرانس سران عرب در اپریل ۱۹۸۷ در عمان برگزار شد و بدون حتی حمایت ضمنی از جنبش فلسطین به کار خود خاتمه داد. در این چنین شرایطی بود که فلسطینی های ساکن سرزمین های اشغالی با قطع امید از آنان دست به قیامی زدند که به «انتفاضه» معروف شد. انتفاضه قیامی مردمی بود که جان برکف تصمیم به دفاع از موجودیت خود گرفته بود. ادامه و رشد این مبارزه بار دیگر مسئله فلسطین را در سطح جهانی مطرح کرد. و رژیم اشغالگر از درون برای اولین بار در تاریخ نکبت بار موجودیت خود با احساس خطر از هم پاشیدگی روبه رو شد. برخی از سران دولت فاشیستی اسرائیل و جهان امپریالیستی در عمل بر این امر واقف شدند که خلق فلسطین تسلیم ناپذیر است و چاره ای جز قبول به رسمیت شناختن حق موجودیت و تشکیل دولت مستقل این خلق را ندارند.

در چنین شرایطی بود که جناح سازشکار ساف تحت فشار همه جانبه امپریالیست ها باوجه معامله قراردادان قیام خلق فلسطین (انتفاضه) باشناسائی اسرائیل و قبول قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ خواهان بازگشت رژیم اشغالگر به مرزهای ۱۹۴۷ شد. در مقابل صهیونیست ها نیز P.L.O را به رسمیت شناختند و طی مذاکرات صلح بین یاسر عرفات و اسحاق رابین بر اساس یک معاهده ۱۷ ماده ئی منطقه خودگردان فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه به وجود آمد.

به دنبال درگذشت یاسر عرفات که طبق برنامه سردمداران رژیم اشغالگر مسموم شده بود محمود عباس به جانشینی او با نظر موافق دارودسته بوش و بلیر انتخاب شد. و متعاقب آن تحت فشار امپریالیستها روند سازش شتاب بیشتری به خود گرفت. صهیونیست ها و دارودسته نئوکان ها به منظور بیرون راندن عناصر انقلابی از دستگاه حکومتی منطقه خودگردان فلسطینی با امید پیروزی جناح سازشکار محمود عباس (ابومازن) انتخابات عمومی مجلس فلسطین را زیر نظر ناظران بین المللی در کرانه باختری و نوار غزه سازمان دادند. در این انتخابات خلاف خواست دارودسته بوش و بلیر و صهیونیست ها «حماس» در نوار غزه پیروز شد. دولتی که حماس بعد از انتخابات سال ۲۰۰۶ تشکیل داد. دولت حماس به هیچ وجه مورد قبول اتحادیه اروپا و امریکا نبود. دولت حماس بلافاصله باعکس العمل فوری و طرح های توطئه گرانه در سطح منطقه و جهان مواجه شد که نتیجه آن به صلابه کشیدن مردم فلسطین و صدور حکم مرگ تدریجی هزاران کودک بی گناه به جرم رأی دادن والدین آنها به حماس بود. دولت فلسطین مورد تحریم قرار گرفت کمک های اتحادیه اروپا قطع شد. رژیم صهیونیستی مالیات هائی را که هر ماه در اختیار دولت خودگردان فلسطین قرار می داد قطع کرد. بدین ترتیب دولت منتخب حماس به شدت در محاصره اقتصادی و فشارهای سیاسی قرار گرفت. مثلث امپریالیسم امریکا، اشغالگران اسرائیلی و ابومازن (محمود عباس) تصمیم گرفتند حماس را از صحنه حذف کنند. دولت امریکا جنرال دایتون را با یک میلیارد دالر به اسرائیل فرستاد تا ترتیب کار را بدهد. وی با کمک «محمد

دهلان» ستون پنجمی در غزه برای کودتا علیه حماس به صورت مخفیانه سازماندهی کرد که توسط حماس کشف و سرکوب شد. پس از شکست برنامه کودتا، دولت اسرائیل تصمیم به محاصره و گرسنگی دادن مردم غزه را گرفت. صهیونیست ها در برابر مردم غزه دو راه قرار داد: «یا از گرسنگی بمیرند و یا تسلیم شوند». از این تاریخ در بخشی از سرزمین اشغالی فلسطین زندانی به وسعت ۴۵ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر عرض با دو میلیون جمعیت به وجود آمد. مردم غزه از ۲۷/۱۲/۲۰۰۸ مورد تجاوز آدمخواران تا به دندان مسلح صهیونیستی قرار گرفتند. تجاوزی که هدف آن قتل عام حدود دو میلیون انسان در بند و به بردگی کشیدن یک ملت است. در ۱۷ جنوری ۲۰۰۹ جنرال اشکنازی فرمانده ارتش اسرائیل در گزارشی به پارلمان این رژیم اعلام کرد: «در ۲۰ روز ۲۱۳۰ حمله هوایی به غزه انجام شده» که پی آمد آن برای ساکنان نوار غزه طبق آخرین آمار بیش از شش هزار (۶۰۰۰) کشته و زخمی که اکثریت مطلق آنها را کودکان، زنان و غیر نظامیان تشکیل می دهند بوده است.



سازمان ملی آمار فلسطین خسارت های اولیه به تأسیسات شهری و اقتصادی غزه را دو میلیارد دالر تخمین زده است. ۵۰۰۰ خانه در این حملات به تلی از خاک تبدیل شد و ۱۶۰۰۰ خانه هم خسارت جدی دید. ۱۰۰۰۰۰ فلسطینی بی خانمان شدند و به ۱۶ بیمارستان و درمانگاه و ۲۳ مسجد و ۶۰ مدرسه خسارت جدی وارد شد.

جلسه «شورای امنیت ملل متحد» جهت بررسی اوضاع در نوار غزه برگزار شد ولی در اعلامیه پایانی جلسه، سخنی از محکومیت اسرائیل مطرح نشد، اما بر ضرورت قطع فوری عملیات نظامی تأکید گردید. درحقیقت «شورای امنیت ملل متحد» همچون گذشته در مورد جنایات جنگی اسرائیل با صدور یک اعلامیه بی بو و خاصیت دست آدمکشان اسرائیلی را در کشتار مردم بی دفاع فلسطین باز گذاشت.

قتل عام خلق فلسطین ریشه در ۷۰ سال ترور دارد. رژیم اسرائیل تنها رژیمی است که بخش مستقلی را در سرویس های امنیتی و جاسوسی خود برای ترور افراد مختلف تأسیس کرده و آن را به عنوان یکی از مهم ترین مبانی فکری و ستراتیژیک خود مطرح می کند.

«رونین پرگمن» خبرنگار مسائل امنیتی و نظامی در روزنامه اسرائیلی پدیدعوت آحارونوت و نویسنده اسرائیلی به تازگی و برای اولین بار در کتابی به بررسی عملیات ترور انجام شده توسط سازمان جاسوسی موساد پرداخته است. در کتاب آمده است: سرویس های جاسوسی رژیم صهیونیستی اسرائیل طی ۷۰ سال گذشته بیش از ۲۷۰۰ عملیات ترور را انجام داده اند تا اسرائیل تنها رژیمی باشد که به جای استفاده از سیستم های دیپلماتیک و سیاسی برای تحقق اهدافش از ترور و حذف رقباء استفاده می کند. ... سازمان جاسوسی موساد از روش ها و ابزارهای مختلف برای اجرای طرح های

خود استفاده می‌کند. از جمله این ابزارها می‌توان به استفاده از خمیردندان مسموم، هواپیماهای بدون سرنشین و تلیفون‌های همراه بمب‌گذاری شده و زاپاس‌های خودروی بمب‌گذاری شده برای حذف اشخاص مهم اشاره کرد.

علاوه بر قتل عام در دیرباسبین، کفر قاسم، تل زعتر، صبرا و شتیلا..... و نوار غزه در طی ۷۰ سال گذشته اعمال سیاستهای استعماری دول امپریالیستی در ایجاد پایگاهی مطمئن در خاورمیانه را باید در حاکمیت مذهب نژاد پرست یهود دید که گفته های یهوه خدای قوم یهود توسط خاخام های فاشیست از زمان کودکی به یهودیان آموزش داده می شود و آنان را بر اساس گفته های تورات برای کشتار مردم فلسطین آماده می کنند. روند وقایع بر این مبنا بود که براساس آمار **خبرگزاری قدس (قدسنا):** مصطفی البرغوثی دبیرکل جبهه ابتکار ملی فلسطین در پنجاهمین سالروز جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ آمارى درباره تعداد شهدای فلسطینی از آن زمان تا کنون ارائه کرد.

البرغوثی اعلام کرد آمار دقیقی درباره تعداد شهدای فلسطینی از سال ۱۹۶۷ تا کنون وجود ندارد اما شهادت ۴۲ هزار فلسطینی ثبت شده است.

البرغوثی در پنجاهمین سالگرد جنگ ۶ روزه در سال ۱۹۶۷ تصریح کرد: ۱۰۹۶۹ تن از این شهداء مربوط به انتفاضه اول در سال ۱۹۸۷ تا کنون هستند.

وی در ادامه گفت: طی جنگ‌های علیه نوار غزه ۳۸۱۲ فلسطینی از جمله ۹۰۰ کودک به شهادت رسیدند و از سال ۱۹۹۲ تا به امروز ۱۳ روزنامه نگار و ۴ فرد فعال دیگر در رسانه‌ها به دست نیروهای رژیم اشغالگر به شهادت رسیدند.

امروز در شرایطی که مردم جهان از کشته شدن بیش از صد نفر و زخمی شدن بیش از ۳۰۰۰ نفر در طی ۵ روز به شدت خشمگین شده اند و با برگزاری تظاهرات علیه کشتار مردم بی دفاع فلسطین به ویژه در نوار غزه اعتراض می کنند و قاطعانه از مراجع بین المللی می خواهند دولت اسرائیل را وادار به قطع فوری کشتار مردم فلسطین نمایند. در یک اقدام وقیحانه آقای «راج شاه» سخنگوی کاخ سفید روز دوشنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی «حماس» را مسوول مرگ دهها فلسطینی دانست که در جریان اعتراضات روز دوشنبه در نوار غزه به دست نظامیان رژیم صهیونیستی جان باخته اند. و خانم نیکی هیلی نماینده امریکا در شورای امنیت مانع صدور بیانیه‌ای از سوی شورای امنیت برای انجام تحقیقاتی مستقل درباره کشتار فلسطینیان در مرزهای غزه شده است. ناتوانی مراجع بین المللی و سران کشورهای خاورمیانه در وادار کردن دولت اسرائیل به خاتمه دادن به کشتار و تحویل عاملان این جنایت به دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی در هالنند بدون شک برای جامعه جهانی فاجعه بار خواهد بود.

امپریالیسم امریکا و اتحادیه اروپا و مراجع بین المللی که در برابر جنایت جنگی رژیم اسرائیل سکوت می کنند، شریک جرم در این کشتار هستند. آنان باید بدانند، نفرت مردم فلسطین و منطقه را عمیق تر واراده شان را در مبارزه علیه اشغالگران را مضمم تر خواهند کرد.